

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

حزب کار ایران (توفان)

۱۶ مارچ ۲۰۲۲

معنا و مفهوم نقض حقوق ملل در قرن بیست و یکم

غرب متجاوز و در رأسش امریکا به «مدافع حقوق» ملل بدل شده است. امریکا حداقل بیش از ۶۰ بار به نقض حقوق ملل دست زده و حتی بر اساس دکترین «پل ولفوویتز» حق دارد هر زمان و در هر جا که تشخیص داد منافعش به خطر افتاده است به آن کشور حمله کند. بر اساس این دکترین، امریکا به کشور عراق حمله کرد. آنها در شورای امنیت ملی خود حتی منطقه خلیج فارس را جزو حریم امنیتی خویش اعلام کردند که همه این اقدامات ضد موازین جهانی و منشور ملل متحد است. امریکا به صراحت بیان کرده که منافع ملی کشورش بر بالای سر هر قانونی قرار دارد. آنوقت این گله آدمخواران از رعایت حقوق ملت‌ها صحبت می‌کنند!!

بیمان ناتو را در نظر بگیریم. این یک اتحادیه جنگ‌افروز برای تجاوز به سایر کشورهاست. این که رهبران این ممالک و ماشین انحصاری تبلیغاتی و دروغ‌پرداز آنها خود را «بیمان دفاع» معرفی می‌کنند تنها برای مغزشویی و فریب مردم است. پرسش عقلانی این است ناتو که قدرتمندترین اتحادیه نظامی جهان است از خودش در مقابل چه کسی و چه قدرت واقعی جهان می‌خواهد دفاع کند؟ در مقابل کشور بحرین؟ در مقابل کشور سان مارینو؟ پس به عقل خود رجوع کنیم. ناتو سازمانی است تشنج آفرین، جنگ‌افروز، تجاوزگر و برای بشریت خطرناک. نفس وجود ناتو بیان جنگ بوده و بوی خون و آتش از آن به مشام می‌رسد. تمام ممالکی که به عضویت ناتو درآمده‌اند پذیرفته‌اند که نه برای حقوق ملل، نه برای حقوق بشر و نه برای رعایت تمامیت ارضی سایر کشورها، کوچکترین احترام و ارزشی قابل هستند. نفس عضویت در ناتو یعنی جنگ و آمادگی برای تجاوز. در اینجا فقط مسأله بر سر ساعت وقوع تجاوز است و نه ماهیت جنگ‌طلبانه ناتو. ناتو هرگز در محاسبات سیاسی جهانی نقش مظلوم را نداشته بلکه تا مغز استخوان ظالم و سلطه‌گر است. دولتمردانی که این واقعیت را نبینند و خودشان را دلداری دهند که این شتر در خانه ما نمی‌خوابد به خواب خرگوشی فرورفته و مشغول خیانت به کشورشان هستند. خواب خرگوشی ماهیت خیانتکارانه سیاست و اقدامات آنها را توجیه نمی‌کند.

این سخنان حزب ما تئوری نیست، فریاد رسای میلیون‌ها انسانی است که به دست سربازان رسمی و غیررسمی ناتو در یوگسلاوی، عراق، لیبیا، افغانستان، یمن، فلسطین، سوریه، ویتنام، کامبوج، لائوس و... به قتل رسیده‌اند و سرزمینشان با خاک یکسان گشته است. جنگ تحمیلی عراق با ایران را به یاد آورید. ایران با ناتو جنگید و نه با عراق. ناتو بود که به مرزهای ایران، به تمامیت ارضی ایران، به حق حاکمیت ملی ایران تجاوز کرد. فقط خود فروشان و ستون پنجمی‌ها خفقان می‌گیرند، صدایشان در نمی‌آید و به روی این خورشید روشن چشمان خود را می‌بندند.

به اوکراین بنگریم. این کشور زیر سلطه نازیسم در کنار امریکا با ۵ هزار سرباز نازی به کشور عراق که ظلمی به این کشور نکرده بود و همیشه روابط خوب با آنها داشت حمله کرد و بیش از یک میلیون عراقی را همراه با سایر ممالک ناتو نظیر، انگلستان، دنمارک، هلند، اسپانیا و... قتل عام نمود. عراق نبود که به مرز اوکراین تجاوز کرده بود و اولین کسی نبود که در مرز اوکراین پایش را به آن طرف مرز گذاشت و اولین گلوله را شلیک کرده بود. اوکراین در سال ۱۳۹۲ اعلام کرد که به افغانستان برای سرکوب مردم افغانستان ارتش می‌فرستد پس می‌بینیم شرکت در عملیات ضد بشری ناتو برای ارتش اوکراین حکم آب حیات را دارد. مگر مردم افغانستان آزاری به اوکراین رسانده بودند؟ مگر افغانستان به مرز اوکراین تجاوز کرده بود؟ مگر افغانستان حقوق ملل را به زیر پا گذارده بود؟ چه قدر عده‌ای باید بی‌شرم و ضد بشر باشند که از این نازی‌های آدمکش و متجاوز در اوکراین دفاع کنند.

در نشریه «۸ صبح» مؤرخ اسفند ۱۳۹۲ می‌آید: «براساس توافقی که میان ناتو و دولت اوکراین صورت گرفته، این کشور در نظر دارد که گروهی از نظامیان خود را به افغانستان بفرستد» مراجعه کنید به سند:

[/https://8am.af/ukrine-slodeirs-afghanistan](https://8am.af/ukrine-slodeirs-afghanistan)

می‌بینید که ناتو پیمانی تجاوزکار است و اوکراین حتی بدون این که رسماً عضو این پیمان باشد با ناتو همکاری نظامی صمیمانه و تحریک‌آمیز دارد، با آنها عملیات نظامی مشترک انجام می‌دهد، مشاوره نظامی تهاجمی می‌پذیرد، اسلحه می‌خرد ارتشش را با هنجارهای غرب منطبق می‌سازد و خود را برای جنگ، تا دندان از هر لحاظ مسلح و آماده می‌کند تا به روسیه حمله کند. اوکراین حتی به این عملیات نظامی طولانی‌مدت نیز راضی نیست و می‌خواهد عضو رسمی ناتو شود. یعنی عضویت در یک سازمان جنگ‌افروز و ضد بشر برای تجاوز به سایر ممالک و در درجه اول به روسیه. برای حزب ما روشن است که همکاری با ناتو، عضویت در ناتو یا درخواست برای پیوستن به ناتو یعنی اعلان جنگ به همه ملل جهان. نفس ناتو نقض حقوق ملل است. جهان رو به صلح به ناتوی تجاوزکار نیازی ندارد.

این رهبران نازی که پشتوانه اکثریت مردم اوکراین را نیز به همراه ندارند و فقط بر بخشی از مردم غرب و غرب‌گرای اوکراین و گروه‌های مزدور نازی تکیه کرده‌اند و با آنها همکاری می‌کنند و در آروزی پادشاهی - سلطنتی اتریش و هنگری به سر می‌پرند، در برابر عدم مقاومت مردم اوکراین در مقابل ارتش برادرشان روسیه به تروریست‌های سوریه متوسل شده و از کشور سنگال و سایر ممالک افریقائی و جهان سومی مشغول استخدام داعش، چین‌ها و مزدوران ارتش خصوصی و لژیونرهای خارجی و نازی‌های وارداتی از پس‌مانده‌ها جنگ یوگسلاوی که المان‌ها آنها را پرورش داده‌اند و یا نازی‌های سویدن و پولند و... هستند تا جنگ ناتو را با دست تروریست‌ها انجام دهند. حال با این سابقه امر که عده‌ای چشم خود را بر تجربه و واقعیت تاریخ می‌بندند به بحث خود ادامه دهیم. بحران اوکراین که با نسل‌کشی اوکراین، شرکت در عملیات ناتو، سرکوب ملت‌ها و اشغال کشورها شروع شد و به تحکیم نازی‌های بربرمنش در حکومت اوکراین انجامید، بیان صریح نقض حقوق ملل و نقض حقوق بشر است. و این تجربه و سابقه تاریخی و سیاست تا به امروز اوکراین به ما نشان می‌دهد که در قرن بیست و یکم به مسأله حقوق ملل چگونه باید برخورد کرد؟ آیا همان بندهای حقوقی برای افساء متجاوز کافی است؟ آیا تجاوز و تعرض فقط یک امر خاکی و ارضی است؟

پس نقض حقوق ملل در شرایط سیاسی کنونی جهان یعنی چه؟ آیا درگیری جهانی کنونی و درگیری‌های چند دهه اخیر از زمان تجاوز به یوگسلاوی تا کنون بر سر فهم نادرست حقوقی از مفهوم حق ملل بوده است؟ و یا این که مضمون درگیری کنونی بر سر سیاست و تقویت نظم ظالمانه کنونی حاکم در جهان می‌باشد. روشن است که تجاوزگری و نزاع ناتو امری سیاسی و نه حقوقی است ولی آنها بنا بر مصلحت و شرایط روز نوع استدلالات خود را مرتب تغییر می‌دهند.

تجربه نشان داده است که تنها در شرایط توازن قواء در جهان حق ملل امکان عرض وجود دارد و امنیتش تأمین است ولی در شرایط برهم خوردن تعادل قواء، بهانه‌های گوناگونی برای نقض این حق پدید می‌آید که در آن زمان دیگر درک و تفسیر مشترک یا نظر یکسان وجود ندارد.

این اصل حق ملل در منشور ملل متحد امر درستی است ولی تعرض به این حق از کجا شروع می‌شود؟ واکنش جامعه جهانی و بشریت متمدن و ملل متحد نسبت به ناقضان آدمکش این حق چگونه است؟ چرا ناتو و امریکای گردنکش هنوز به خود حق می‌دهند به تجاوز به حقوق ملل، بدون ترس از مجازات جهانی ادامه دهند؟ معلوم است که نقض حقوق ملل هیچ مجازات بین‌المللی ندارد و عملاً در پرتو زور پذیرفته شده است. از نظر حزب ما زمانی حقوق ملل معتبر است که از جانب همه ممالک مورد احترام قرار گیرد. اعتبار این اصل تنها بر شمولیت آن است. اگر قرار باشد هر کس هر وقت زورش رسید این اصل را نقض کند، دیگر برای رعایت این اصل فضائی باقی نمی‌ماند. در حقیقت احترام به حقوق ملل باید همگانی باشد و نه یک طرفه، آنطور که ناتو و امریکا تا کنون به جهان حقه کرده‌اند. کسانی که مدعی می‌شوند اگر غرب به رهبری امریکا مجاز است این حقوق را زیر پا بگذارد ولی سایر کشورها باید موقتاً این حقوق را رعایت کنند، آنوقت آنها از این حق ابزار ایدئولوژیک ساخته‌اند تا تجاوز و سلطه‌گری غرب و جنایات ناتو را تئوریزه نمایند. نمی‌شود ممالک دنیا را به دو دسته، دسته‌ای که موظفند این حق را رعایت کنند و دسته‌ای که مختارند هر لحظه اراده کردند آن را زیر پا بگذارند، تقسیم نمود. نمی‌شود دنیا را به دو دسته تقسیم کرد دسته‌ای که مرتب فغانشان به هواس است که ناتو به رهبری امریکا منشور ملل متحد، کنوانسیون ژنیو در مورد حقوق بشر و حقوق پناهیجویان را به زیر پا می‌گذارد و طلب دادخواهی می‌کنند و صدایشان به جایی نمی‌رسد و دسته‌ای که رسانه‌های دروغوی انحصاری در سراسر جهان را در اختیار داشته و نقض حقوق ملل را حق بیدیهی خود می‌دانند و مقاومت در مقابل این زروگوئی را تروریسم خوانده و تجاوز جا می‌زنند. این تجاوزکاران آنوقت ناچارند برای توجیه این همه جنایت به تئوری نژادپرستی متوسل شوند و بیان کنند که ما باید سایرین را قتل عام کنیم زیرا ما سفیدپوست بوده، اروپائی بوده و از نژاد برتریم. این است چهره سیاسی واقعی جهان کنونی. خلق‌های جهان در این بستر زندگی می‌کنند.

امریکا با سندسازی و دروغ در شورای امنیت ملل متحد، نقض حق ملل را برای تجاوز به عراق قانونی جلوه داد و حتی مدعی شد: دفاع از حقوق بشر بر بالای سر حق ملل قرار دارد و اگر امریکا تشخیص داد در یک گوشه ای از جهان «حقوق بشر» به زیر پا گذارده شده است، صیرف این تشخیص، به وی این حق را می‌دهد حقوق ملل را به نفع «حقوق بشر» به زیر پا بگذارد. به زعم امریکا بار و ارزش حقوق بشر بیش‌تر از حقوق ملل است و درجه خلوص آن را نیز امریکا تعیین می‌کند. اگر به بهانه ممانعت از نقض حقوق بشر با بمباران یک کشور؛ میلیون‌ها بشر کشته شدند؛ مهم نیست زیرا «ارزش» حقوق بشر بیش‌تر از حقوق ملل است؟! به چنین نظم ظالمانه‌ای در جهان نمی‌شود تن در داد و اعتماد کرد. اگر حقی معتبر است باید برای همه به یک اندازه اعتبار داشته باشد. ما در حقوق بین‌الملل حقوق یک طرفه، امنیت یک طرفه، پیمان نظامی یک طرفه نداریم که فقط اکثریتی باید به نفع اقلیت از آن پیروی کنند. این استبداد جهانی مطلق است. حقوق ملل بر اصول والائتری نظیر صلح، امنیت، حسن همجواری، احترام متقابل، دوستی متقابل و... بنا شده است. به این جهت وقتی نیروئی تجاوزکار و جنگ‌افروز و تا دندان مسلح و با تبلیغات ضدبشری به مرزهای شما نزدیک می‌شود و مدعی است که نظامی‌گری‌اش صرفاً «دفاعی» است و در آغوش گرفتن و له کردن شما را نباید حمل بر نفرت، بلکه حمل بر علاقه عمیق آنها به شما ارزیابی نمود، آنوقت شما حق دارید دست این نابکاران ریاکار را در خدمت رهایی بشریت در سرزمین خودشان قطع کنید. همانگونه که ایران دست داعش را در سوریه قطع کرد. دولتمردان کودتائی و نازی حاکم در اوکراین رسماً می‌خواهند که آشکارا به پیمان تجاوزکار ناتو بیبوندند، به این

قصد روشن تا به روسیه حمله نمایند و در مقابل درخواست صمیمانه روسیه که از آنها می‌طلبد از این کار حذر کنند، زیرا این عمل اقدامی دوستانه نبوده و به ضرر حسن همجواری دو کشور می‌باشد و یا در برابر این پرسش که این امر یعنی شرکت در پیمانی جنگ‌افروز که در واقع می‌خواهد روسیه را تجزیه نماید، آنها شانه بالا انداخته به استقلال خود که ناقض صلح و آسایش روس‌ها و ملت‌های منطقه است و رسماً همدستی با امریکائی‌هاست مغرورانه اشاره می‌کنند. طبیعتاً این خواست روس‌ها که اوکراین باید به روش خصمانه خود پایان دهد منطقی و موجب صلح جهان است. رهبران نازی این کشور به جای حفظ منافع ملت‌های این منطقه مدعی می‌شوند که ما از حق استقلال خود دفاع می‌کنیم. پرسش این است که از کی تا به حال کشوری حق استقلال برای آدمکشی و تجاوز به یک کشور دیگر را برای خود محفوظ می‌دارد و حاضر نیست به صورت عقلانی بر امنیت و دوستی دو جانبه تکیه کند. از کی تا به حال یک الیگارش‌ی مافیائی سرکوب‌گر کودتائی، دزد و فاسد و ضدبشر نماینده مردم اوکراین است. از این گذشته حکومت فاسد و نژادپرست کثیف به پشتوانه کدام قدرت جهانی در همسایگی روسیه و در مرز اورو آسیا چنین گردن‌کلفتی می‌کند؟ گردن اوکراین را چه کسی کلفت کرده است؟ به این جهت نازی‌های کودتائی حاکم باید تسلیم بلاشرط شوند و بی‌ضرر گردند تا اوکراین و روسیه مانند گذشته در کنار هم و در صلح و صفا زندگی کنند، آنها باید ضمانت دهند که به پیمان نظامی تجاوزکار و جنگ‌افروز ناتو که خط سرخ روسیه است نمی‌پیوندند و به نسل کشی روس‌ها اقدام نمی‌کنند، به آزادی احزاب و عقاید در اوکراین احترام می‌گذارند، حزب کمونیست را غیرقانونی نمی‌کنند، از ممنوعیت آموزش و تکلم به زبان روسی حمایت نخواهند کرد، مفسدان را دستگیر و مجازات خواهند کرد و مسببان نسل‌کشی‌ها در اوکراین از سال ۲۰۱۴ را کیفر خواهند داد. باید رهبران نازی حاکم در اوکراین، تک تیراندازان مایدان در سال ۲۰۱۴، آتش‌زندگان ساختمان اتحادیه کارگری در اودسا را دستگیر، محاکمه و مجازات کنند. باید خواهان انحلال پیمان تجاوزگر و جنگ‌طلب ناتو به خاطر حفظ صلح و امنیت جهان شوند، در غیر این صورت ریاکارند و برای جنگ با روسیه آماده می‌شوند. باید این دست‌های ناپاک ضدبشری را قطع کرد، زیرا در خدمت حقوق بشر و حقوق ملل و تمدن و انسانیت و صلح جهان نیستند. نکته دیگری که باید به آن اشاره کرد آن است که احترام به حقوق ملل از همه طرف‌ها می‌طلبد که امنیت و حق حاکمیت و تمامیت ارضی طرف مقابل و همسایگان خویش را رعایت کنند. اگر کشوری لشکرش را به مرز کشور دیگر گسیل داشت که طبیعتاً هزینه گزافی برای آن کشور دارد، نمی‌توان با خوشخیالی مدعی شد که تا زمانی که بند اصل حقوق ملل در منشور ملل متحد سیاه روی سفید وجود دارد و امریکا و ناتو نیز همیشه آن را به زیرپای گذارده‌اند، من نباید از تجاوز این کشور بترسم. مگر ترکیه سال‌ها نیست که قبرس را اشغال کرده است و کسی صدایش در نمی‌آید؟ مگر اسرائیل در سرزمین اشغالی متعلق به فلسطینی‌ها نیست؟ چرا کسی وجدانش ناراحت نیست؟ زیرا آنها عضو پیمان تجاوزکار ناتو و یا همدست این پیمان هستند. مگر امریکا بخشی از کوبا را به طور غیرقانونی اشغال نکرده است؟ مگر امریکا به صورت غیرقانونی در سوریه حضور ندارد و نفت سوریه را نمی‌دزدد؟ احترام به تمامیت ارضی و حقوق ملل به طور غیرقابل انفاکائی با صلح، حفظ امنیت در مرزها و توجه به منافع ملی کشور دیگر رابطه دیالکتیکی و طبیعی دارند. به همین جهت ایران بدرستی ارتش خود را به کنار مرزهای آذربایجان برد زیرا قصد بر این بود که با دالان زنگرور ایران را خفه کنند و ارتباطش را با اروپا و ارمنستان قطع نمایند و دیوار اوروآسیا را برای خفه کردن چین و ایران به بالا بکشند. این ادعا، که ما در داخل کشور خودمان مجازیم به اقداماتی که خودمان رأساً درست تشخیص می‌دهیم عمل کنیم، طبیعتاً حرف مفت و عوامفریبانه است زیرا این اقدامات باید بر اساس حسن همجواری، دوستی، احترام متقابل، تضمین‌های متقابل صورت گیرد. اگر ایران سکوت کرد و آذربایجان به یاری ناتو و اسرائیل تا دندان مسلح شد که به طور روشن این تسلیحش به ضد ایران و برای تجاوز به ایران، ولی در داخل مرزهای

تعریف شده آذربایجان است و آنوقت آذربایجان به ایران حمله کرد و برای حقوق ملل تره هم خورد ننمود، آنوقت ایران یقه چه کسی را بگیرد و از وی توضیح بخواهد که چرا حقوق ملل علی رغم ثبت آن در منشور ملل متحد اجراء نمی‌شود. آنوقت دیگر کار از کار گذشته و فاتحان تاریخ جعلی خود را می‌نویسند. با این افسانه‌های حقوقی نمی‌شود در دنیای سیاست زندگی کرد. تجهیز تسلیحاتی اوکراین، تقویت نازی‌ها در اوکراین سرکوب کمونیست‌ها، قتل عام روس‌تبارها درخواست پیوستن نازی‌ها به ناتو، حضور ناتوی‌ها به صورت غیررسمی در اوکراین، اعزام ده‌ها هزار نازی از ممالک اروپائی به اوکراین اعلام جنگ آشکار علیه روسیه بوده است و نقض آشکار حقوق ملل است حتی اگر در خفا انجام گردد.

لاورف وزیر امور خارجه روسیه در مذاکراتی که در ۱۳ - ۱۴ فیرووری سال ۲۰۱۴ با آقای والتر اشتاین مییر (سوسیال دموکرات) وزیر وقت امور خارجه وقت المان در مسکو انجام داد به اروپا هشدار داد که در امور داخلی اوکراین دخالت نکنند و اجازه دهند خود مردم اوکراین سرنوشت خویش را تعیین کنند. ولی المان به خرجش نرفت و به این تصور واهی گرفتار بود که می‌تواند رویای هیتلر را عملی کند.

دولت روسیه تنها بعد از سال‌ها التماس، خواهش، درخواست و تهدید دستی را که می‌خواسته توپ و تانک به ضد روسیه برای یک جنگ تمام عیار تهیه کند، شکسته است و اکنون باید آن مغز ضدانسانی را بترکاند. این اقدام نقض حقوق ملل نیست احترام به این حقوق است و یک یادآوری است تا همه بفهمند که نمی‌شود کشورشان را به پایگاهی ضدبشری و نظامی تبدیل کرد تا به کشور همسایه تجاوز کند. این اقدام مبشر آن است که به حقوق ملل احترام بگذارید و مردم جهان را تهدید نکنید. این اقدامی بشردوستانه برای پیشگیری از جنگی است که چند دهه دشمنان بشریت تدارک آن را دیده‌اند. ساده لوحانه خواهد بود که ما چشم خود را بر تمام این واقعیات و رویدادها ببندیم و در ضمیر خود بگوئیم ان شاء الله گربه است. دشمنان بشریت سوگند خورده‌اند نه حقوق بشر را نقض می‌کنند و نه به کشوری تجاوز کرده و آن را غارت خواهند نمود. خیر! در مرز روسیه هیولائی را بال و پر داده‌اند تا برای نابودی بشریت تسلیح شود. آنها داعش اروپائی هستند. این گفته که دولت روسیه باید صبر می‌کرد تا نخست آنها به روسیه حمله کنند تفکر بسیار سفیهانه و سخیفی است. ما در جنگ جهانی دوم تجربه پیمان مولوتف- ریبین تروپ را داشتیم که با اشغال پولند سرکش و همدست امپریالیسم انگلستان گامی عمیق و قطعی در نابودی نازیسم در المان برداشته شد. مسأله حقوق ملل را باید به طور مشخص و در متن اوضاع کنونی جهان و شرایط مشخص روسیه و اوکراین و تمام این زمینه تاریخی که بیان داشتیم بررسی کرد و گرنه با دعا و راز و نیاز به درگاه الهی کشور را نمی‌شود اداره کرد. اقدام روسیه که ما از آن به عنوان اقدام پیشگیرانه وقوع جنگ سخن می‌رانیم در خدمت ممانعت از نسل‌کشی و نازی‌زدائی بود و منافع همه خلق‌های جهان را در برمی‌گیرد و در خدمت منافع ملی ایران است. پوتین در این زمینه حق دارد.

ببینید هم اکنون امریکا با تحریم ایران و اعمال سونئیفت به ضد ایران به یک اقدام ضد بشری و ضد منشور ملل متحد دست زده است و ناتو به این تجاوز آشکار صحه می‌گذارد. غرب اساساً با این سوء پیشینه مشروعیت ندارد به نقض حقوق ملل اعتراض کند. امروز تعریف متجاوز به طور کلی با قرن بیستم متفاوت است. متجاوز کسی نیست که تیر اول را شلیک می‌کند متجاوز کسی است که کشوری را تحریم می‌کند، گرسنگی می‌دهد تا مردمانش از بین بروند. محاصره اقتصادی که حتی بدون شلیک یک گلوله ذره ذره جان یک ملت را می‌گیرد، تجاوز به حریم یک کشور، نقض حقوق بشر و نقض حقوق ملل است. حملات سایبری به تاسیسات هسته‌ای ایران توسط المان، اسرائیل و امریکا نقض حقوق ملل و تجاوز آشکار به حقوق ایران است، تسخیر فضای مجازی و آلوده کردن و مسموم کردن آن برای استنشاق مردم ایران و شست و شوی مغزی آنها با «فک نیوز» یک تجاوز آشکار به حق حاکمیت ملی ایران و تجاوز به حقوق ملل است. این

تجاوزات به ایران، کوبا، کوریای شمالی، چین، روسیه، سوریه، عراق، افغانستان، یمن، فلسطین و... مدتهاست که شروع شده است. مقاومت این کشورها نقض حقوق ملل نیست مقابله با ناقضان حقوق ملل است. پس باید حقوق ملل و تمامیت ارضی و حق حاکمیت ملی را بر اساس شرایط جدید جهانی تفسیر کرد. حق پخش دروغ و جعلیات آزادی بیان نیست. تحریک به جنگ، تشنج، خرابکاری، ایجاد فضای آلوده و مسموم، محاصره اقتصادی تعرض به حق حاکمیت ملی است که حزب ما در آینده در باره این شرایط جدید سخن خواهد گفت. این دست‌ها و زبان‌های مسموم و زهرآگین را باید از ریشه قطع کرد.